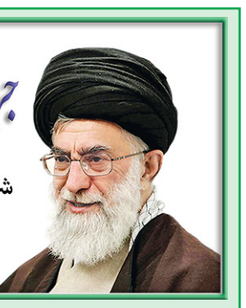

جرعه‌های معرفت

شرح حدیث معصومین(ع) در کلام رهبر انقلاب

آسودگی و آرامش مومن در قبال برادر مومن

عن امیر المومنین(ع) عن رســـول الله(ص): ان المومن لیسکن الی المومن کما یسکن قلب الظمان الی الماء البارد.[1]

«امیرالمؤمنیـــن(ع) از قول پیامبر(ص) نقل می‌کنند که فرمود: مؤمـــن در کنار مؤمن آرامش پیدا می‌کند، همان طور که قلب یک تشنه وقتی به آب خنک و گوارا دست می‌یابد، آرامش پیدا می‌کند.»

- ان المؤمن لیســـکن الی المؤمن کما یسکن قلب الظمان الی الماء البارد؛ معنای «سکن الی احد» یا «الی شیء» این است که در قبال او آرامش پیدا می‌کند؛ از تلاطم، از اضطراب نجات پیدا می‌کند. فرض بفرمایید در یک بیابانی یا در یک نقطه‌ای انسان تشنه است. خود تشـــنگی علاوه بر عوارض جســـمانی، این عارضه روحی را هم دارد که انسان دغدغه دارد که چه خواهد شد- ترس جان خودش را دارد - بعد در همین حین چشمش بیفتد به یک چشمه آب گوارایی در آنجـــا؛ هنوز آب هم نخورده اما آرامش پیدا می‌کند و آن تلاطم قلبـــی و اضطراب و دغدغه از بین می‌رود. [امیرالمؤمنین(ع) از قول پیامبر(ص)] می‌فرمایند که همان طوری که یک تشنه وقتی که به آب خنک و گوارایی دست پیدا می‌کند، قلب او آرامش پیدا می‌کند، مؤمن در قبال برادر مؤمن همین جور است، یعنی هیچ دغدغه‌ای از او ندارد؛ این علامت ایمان است. ما نگوییم که خب ما که به رفقای مؤمنمان می‌رســـیم هیچ آرامشی پیدا نمی‌کنیم و گاهی هم انسان اضطراب پیدا می‌کند، پس این چه جور ضابطه‌ای اســـت. جوابش این است که ما در ضابطه شک نکنیم، در خودمان شک کنیم.مومن مطلوب این اســـت در محیط ایمانی باید برادر مؤمن وقتی به برادر مؤمن برخورد می‌کند و با او در مســـائل کاری، مســـائل زندگی و معاشرتی التقا (دیدار) پیدا می‌کند، از ناحیه او هیچ نگرانی در دلش ایجاد نشود، هیچ نگرانی نداشته باشد؛ نه اینکه حالا دغدغه داشته باشد که مبادا یک کلمه‌ای بگویم و او از این سوء استفاده کند، برای من در ذهن او یک پرونده‌ای بشود و برود کاری بکند؛ هیچ نگرانی‌ای ندارد. چون می‌داند که او غیبت نخواهد کرد، دروغ نخواهد بســـت، از ناشادی این، شاد نخواهد شد، از خسارت این منتفع نخواهد شد؛ اینها را می‌داند؛ [چون] برادر است. روابط مؤمنین این جوری است.

(۱) نوادر راوندی ص ۱۰۰

* شـــرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۱۳۸۳/۱۰/۱۵. به نقل از کتاب نسیم سحر

با خورشید انقلاب
(خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

آقا یخچال ندارند

آقای رفیقدوســـت می‌گفت که من یک بار به مناســـبت عید قربان گوســـفندی قربانی کردم و فرستادم برای آیت‌الله خامنه‌ای. آقا برگرداندند. من دوباره فرســـتادم و پیغام دادم که حلال است و از پول خمس داده خودم خریده‌ام و اصرار کردم که حتما بردارند. دوباره گوسفند را برگرداندند و فقط یک تکه گوشت از آن برداشتند.

به پاسدارها گفتم چرا آقا این کار را کردند؟ گفتند: آقا یخچال ندارند و به اندازه روزانه‌شان خرید می‌کنند بنابراین امکان نگهداری ندارند. ایشان رهبر مملکت بود. نمی‌گویم الان یخچال ندارند ولی آن موقع این‌گونه بود. یا یک‌بار در خطبه‌های نمازجمعه فرمودند فرزند یکی از مســـئولین، وقتی همراه با کوپن، یک قالب کره هم توزیع شـــده بود، این کره را برداشته و از خوشحالی بالا و پایین پریده و همان‌طور که کره در دستش بوده از خوشحالی خوابش برده، بعدها فهمیدیم فرزند خودشان را گفته‌اند.

دکتر علی‌رضا مرندی. مجله پنجره، به نقل از جهان نیوز، یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۳، ساعت ۱۳:۰۹

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

روزه در حال جنابت

س) اگر کســـی مدتی با جنابت روزه گرفته باشـــد و نمی‌دانسته که باید غسل کند، آیا روزه‌های او صحیح است؟

ج) در صورتی که جاهل به جنابت خود بوده و اصلاً نمی‌فهمیده جنابت چیست و جنب شدن عمدی در شب ماه رمضان بوده و نه در روز آن، روزه‌ها صحیح است ولی اگر جنابت را می‌دانسته و جاهل به وجوب غسل بوده باید قضای روزه‌ها را به جا آورد و اگر غافل از حکم مسئله بوده، کفاره ندارد.

افطار روزه به خاطر خوف ضرر

س) اگر هواپیما در ارتفاع بالا و مسیر طولانی در حال پرواز باشد و پرواز حدود دوساعت‌ونیم تا سه ساعت طول بکشد، مهماندار و خلبان هواپیما برای حفظ تعادل خود هر بیست دقیقه احتیاج به نوشیدن آب دارند، در این صورت آیا در ماه مبارک رمضان کفاره و قضای روزه بر آنها واجب می‌شود؟

ج) اگر روزه برای آنها ضرر داشته باشد، جایز است که با نوشیدن آب افطار نمایند و قضای آن را به‌جا آورند و در این حالت کفاره بر آنها واجب نیست.

فرا رسیدن وقت اذان، در حین غسل واجب

س) اگر فرد جنب نزدیک اذان صبح از خواب بیدار شده و اقدام به غسل کند، اما قبل از اتمام غسل اذان گفته شود، روزه او چه حکمی پیدا می‌نماید؟

ج) اگر با علم یا گمان به اینکه وقت برای غسل دارد، شروع به غسل کرده، کفایت می‌کند و روزه‌اش صحیح است، مگر اینکه روزه قضا بگیرد، که در این صورت اگر قبل از طلوع فجر غســـلش تمام نشود، روزه او صحیح نیست.

زکات فطره برای جنین

س) آیا طفلی که در شکم مادر است و هنوز به دنیا نیامده، باید برایش زکات فطره بدهند؟

ج) خیر، لازم نیست.

تیمّم در تنگی وقت با ترک عمدی غسل

س) کسی که در ماه رمضان پیش از اذان صبح، با حالت احتلام از خواب بیدار می‌شود، آیا می تواند تا نزدیک اذان، غسل نکند و تیمّم کند؟

ج) اگر غســـل را به تأخیر اندازد تا جایی که وقت تنگ شـــود، گناه کرده اســـت. در این صورت باید پیش از اذان صبح، تیمّم کند و روزه او صحیح است.

بر اساس آموزه‌های قرآن، برای هر چیزی مقداراتی از پیش تعیین شده است؛ اما این بدان معنا نیست که مقدرات غیرقابل تغییر باشـــد؛ زیرا مقدرات به دو دسته تقسیم می‌شود؛ چنانکه اجل به مسمی و معلق تقسیم می‌شود. بنابراین، امکان تغییر برخی از مقدرات با اموری از جمله دعا و توسل وجود دارد. ماه رمضان به‌ویژه شب قدر یکی از فرصت‌های اســـتثنایی است که می توان مقداراتی را که در آن شب امضا می‌شود، با دعا، استغفار و توسل تغییر داد. نویسنده با مراجعه به آیات قرآن در صدد است تا این مطلب را تبیین کند.

شب قدر
زمان دعا برای تغییر مقدرات و سرنوشت

میکائیل صفی‌زاده

مقدرات و سرنوشت محتوم بشر

براساس تعالیم قرآن، هر کسی دارای مقداراتی محتوم است؛ زیرا مقدرات از واژه «قدر» به معنای اندازه است. از نظر قرآن، هر چیزی براساس اندازه‌ای مشخص و معین خلق می‌شود؛ چنانکه سازه‌های بشری مانند ساختمان، اتومبیل، رایانه و تلویزیون نیز این‌گونه است و انســـان‌ها با اندازه‌گیری دقیق هر قطعه آن را چنان می‌سازند که بتواند کار ویژه خود را به‌درستی انجام دهد. خدا می‌فرماید: وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيراً؛ هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اندازه‌گیری کرده است.(فرقان، آیه ۲)

بر اســـاس همین مقدرات برای هر آفریده اســـت که انســـان ماموریت یافته تا در جایگاه خلافت الهی قرار گیرد(بقره، آیه ۳۰)؛ زیرا در ساختار آفرینش در جایگاهی است که می‌تواند با توجه به دارایی‌هایش یعنی همه اسماء و صفات‌الهی(بقره، آیه ۳۱) از عهده مسئولیت خلافت بر آید. این در حالی است که برخی چون ابلیس از جنیـــان برخلاف مقدرات، خواهان ایـــن مقام و منزلت بود؛ زیرا گمان ابلیس این بود که ملاک ارزشی برای تعیین چنین منزلت و مقامی، عنصر بدنی اوست که از آتش است نه آدم خاکی؛ در حالی که از نظر خدا آنکه ارزش و قدر انسان را بالا برده است همان نفس و روانی است که از روح الهی در کالبد خاکی دمیده شده است.(ص، آیه ۷۲ تا ۷۶؛ اعراف، آیه ۱۲)

همان‌طوری که اندازه و قدر هر چیزی از پیش تعیین شده است؛ مقدرات به معنای سرنوشـــت محتوم نیز تعیین شده است؛ زیرا هر آنچه در هستی اتفاق می‌افتد از سوی خدا در ام‌الکتاب تکوینی یا همان کتاب مکنون و لوح محفوظ ثبت و ضبط شده است؛ از این رو انسان نباید نسبت به داده‌ها و گرفته‌های الهی کنش خیالبافانه داشـــته باشـــد. خدا می‌فرماید: هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس‌های شـــما به شما نرسد، مگر پیش از آنکه آن را پدید آوریم در کتابی است. این کار بر خدا آسان است تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به سبب آنچه به شما داده است، بدمستی و شـــادمانی هیجانی و فرحناکی نکنید؛ چرا که خدا هیچ خیالباف خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.(حدید، آیات ۲۲ و ۲۳)

از نظر قرآن، هر آنچه در ام‌الکتاب و لوح محفوظ است، به عنوان امر محتوم الهی در عوالم تحقق می‌یابد و فرشتگانی مسئولیت آن را دارند که آن را تحقق بخشـــند. خدا می‌فرماید: هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ این است کتاب ما که علیه شما به حق سخن می‌گوید ما از آنچه می‌کردید نسخه بر می‌داشتیم. (جاثیه، آیه ۲۹)

آیات دیگری غیراز این آیه اســـت که سخن از مقدرات دارد که صراحت بیشتری دارد، چنانکه در سوره دخان که درباره شب قدر در ماه رمضان اســـت و نیز ســـوره قدر از مقداراتی سخنی به میان آورده اســـت که فرشتگان پس از امضا آن را در طول سال اجرایی می‌کنند. توضیح این مطلب در ادامه می‌آید.

عظمت شب قدر

از نظر قرآن، هر ساله مقدرات و سرنوشت هر چیزی در ما سوی الله از ســـوی خدا رقم می‌خورد و پس از امضای آن از سوی خلیفه الله از سوی مجریان یعنی همان روح و فرشتگان به اجرا در می‌آید و استنساخ می‌شود. خدا به صراحت در این‌باره می‌فرماید: سوگند به کتاب روشنگر که ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم؛ زیرا که ما هشداردهنده بودیم، در آن شب هرگونه کاری به نحوی استوار فیصله می یابد. این کاری اســـت که از جانب ما صورت می گیرد ما فرستنده بودیم، و این رحمتی از پروردگار توست که او شنوای داناســـت، پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است اگر یقین دارید ، خدایی جز او نیست، او زندگی می‌بخشد و می‌میراند، پروردگار شما و پروردگار پدران شماست. (دخان، آیات ۱ تا ۸)

مراد از شب فرخنده همان شب قدر است که در سوره قدر بیان شـــده اســـت؛ چنانکه مراد از ام‌الکتاب می‌تواند قرآن یا همان لوح محفوظ باشـــد که قرآن نیز به عنوان بخشـــی از آن تلقی می‌شود؛ زیرا لوح محفوظ در اختیار خلیفةالله اســـت و فرشتگان محافظ و رســـولی آن را همراهی می‌کنند. این لوح محفوظ و ام‌الکتاب برای امضای بخش ســـالیانه خود نزول می‌یابد تا پس از امضا از ســـوی خلیفةالله برای اجرا به بالا برده شـــود و در طول سال اجرایی شود؛ چنانکه مراد از رسولان ارسالی از سوی خدا می‌تواند شامل پیامبران و فرشتگان مامور باشد.

شب قدر نه تنها به سبب نزول قرآن مبارک است؛ چنانکه خدا می‌فرماید: ماه رمضانی که در آن قرآن برای هدایت مردم و بیناتی از هدایت و فرقان نازل شـــده است.(بقره، آیه ۱۸۵) بلکه به سبب نزول ام‌الکتاب و لوح محفوظ و نیز تعیین مقدرات هر چیزی بسیار مبارک و مهم و اساســـی اســـت. باید توجه داشت که در شب قدر براساس همین آیه تنها قرآن نازل نشده بلکه بیناتی از هدایت و نیز فرقان نازل شـــده است؛ مراد از بینات می‌تواند حقایق اموری باشد که از جمله آنها خود رســـول‌الله است که بینه تکوینی الهی است؛ چنانکه معجزاتی از جمله قرآن نیز بینات الهی است. همچنین در این شـــب فرقان نازل می‌شود که می‌تواند افزون بر قرآن که فرقان اســـت، شامل تعیین و مشخص شدن هر چیز از حق و باطل و نیز مرگ و حیات باشـــد. بنابراین، به نوعی آیه از مجموعه‌ای سخن به میان می‌آورد که در شب قدر نازل می‌شود. این مجموعه است که به این شب ارزش و اعتباری ویژه داده و آن را مبارک می‌کند.

خدا در سوره قدر نیز می‌فرماید: ما آن را در شب قدر نازل کردیم؛ و از شب قدر چه آگاهت کرد؛ شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است؛ در آن شب فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری که مقرر شـــده اســـت، فرود آیند. آن شب تا دم صبح صلح و سلام است. (قدر آیات ۱ تا ۵)

به نظر می‌رســـد که ضمیر «ه» در «أَنْزَلْنَاهُ» می‌توان اشـــاره به قرآن یا حقیقت محمدی(ص) یا ام‌الکتاب یا هر چیز دیگری داشته باشد که در آن شب به عظمت نازل می‌شود؛ زیرا آوردن ضمیر برای تعظیم است که آن چیز در عظمت شناخته شده و غیرغایب بلکه حاضر اســـت و هم در نوعی از شـــناخت نوری قرار دارد که امکان دیدن صریح فراهم نیست؛ چنانکه نور آفتاب نمی‌گذارد تا حقیقت خورشید دیده شود.

در شـــب قدر براساس این آیات، روح و فرشتگان هر ساله نازل می‌شوند تا امر هر چیزی به اذن پروردگار مشخص و مقدر شود. این تنزل هر ساله بر خلیفةالله است که در عصر کنونی امام زمان(عج) است. بنابراین، فرشتگان و روح برای انجام ماموریتی عظیم که همان مقدرات است هر ســـاله پایین می‌آیند تا پس از امضای خلیفةالله آن را اجرایی کنند.

علامه طباطبایی می‌نویســـد: از ظاهر لفظ آیه چنین برمی‌آید که شب مزبور یکی از شب‌هایی است که در روز زمین دور می‌زند. از ظاهر جمله «فیها یفرق کل امر حکیم» با در نظر داشتن اینکه صیغه مضارع (یفرق) استمرار را می‌رساند، فهمیده می‌شود که شب مزبور همواره در روی کره زمین تکرار می‌شود و از ظاهر جمله «شهر رمضـــان الذی انزل فیه القرآن» چنین برمی‌آید که مادامی که ماه رمضان در کره زمین تکرار می‌شود، آن شب نیز تکرار می‌شود، پس نتیجه می‌گیریم که شـــب مزبور همه ساله تکرار می‌شود و در هر سال قمری در ماه رمضان همان سال یکبار تکرار می‌گردد. (المیزان، ذیل آیه ۴ سوره دخان)

امین‌الاسلام طبرسی می‌نویســـد: در این شب سرنوشت‌ساز و مبارک اســـت که آفریدگار هســـتی نعمت‌های خود را از شب قدر این ســـال تا شب قدر سال آینده میان بندگانش تقسیم می‌کند و سرنوشـــت هرکسی را مقرر می‌دارد؛ به همین جهت در همه طول سال برکت آن شب در جهان امتداد دارد و به این دلیل شب مبارک عنوان یافته است. (مجمع البیان، ذیل آیه ۴ سوره دخان)

شب قدر و امکان تغییر مقدرات و سرنوشت

از آنچه گذشت دانسته شد که امور همه هستی و آنچه باید اتفاق بیفتد در یک کتاب نوشته شده که همان ام‌الکتاب است. برای تحقق خارجی هر یک از این امور، باید مراحلی طی شـــود که شامل قدر، امضا و قضا است. به این معنا که اول تعیین تکلیف شده و میزان و مقدار آن مشخص می‌شود و سپس به امضا و تایید می‌رسد و سپس به عنوان قضای جزیی در عالم، تحقق خارجی می‌یابد.

خداوند امور هســـتی را براساس حکمتی قرار داده که حکمت و غایت آفرینش اســـت. این حکمت هرگـــز تغییر نمی‌یابد و هیچ چیزی آن را تغییر نمی‌دهد. از این‌رو امام ســـجاد(ع) می‌فرماید: یا من لاتبدل حکمته الوسائل؛ ای کسی که حکمتش را وسایل، تغییر نمی‌دهد. (صحیفه سجادیه، دعای ۱۳) به این معنا که وسایل مادی و غیرمادی چون دعا و توســـل و مانند آنها نمی‌تواند موجب تغییر و تبدیل در حکمت الهی شود؛ چنانکه سنت‌های حاکم بر طبیعت و جان و جامعه و جهان نیز تغییر ناپذیر هستند. (احزاب، آیه ۶۲؛ فاطر، آیه ۴۳؛ فتح، آیه ۲۳؛ روم، آیه ۳۰)

ازروایات معتبر به دســـت می‌آید امـــکان تغییر مقدرات، پیش از امضا در قالب بداء که از آموزه‌های اسلامی است، شدنی است.

چنانکه گفته شـــد همه امور هستی که براساس حکمت الهی سامان یافته است. این امور برای تحقق خارجی و وقوع باید مراحل نزولی را بپیماید که در روایات از این مراتب نزولی به عنوان مشیت، اراده، قضای کلی، تقدیر، امضا و قضای جزیی یاد شده است.

بر اســـاس آموزه‌های اسلام، مقدرات پیش از امضا قابل تغییر و تبدیل است به شرطی که منافی حکمت الهی نباشد؛ به این معنا که براساس مصلحت نه حکمت می‌توان امید به تغییر و تحویل و تبدیل در مقدرات داشت. پس اگر امری به امضا نرسیده باشد می‌توان آن را تغییر داد؛ اما پس از امضا، آن امر در طول سال تحقق خواهد یافت.

آیات ســـوره قدر و آیات نخست ســـوره دخان این معنا را بیان می‌کند که امضای مقدرات به دســـت امـــام زمان(عج) در عصر ما است؛ چنانکه در زمان‌های دیگر در دست خلیفه الهی و حجت خدا در همان زمان بوده اســـت. از همین‌رو، روح اعظم با چهار فرشـــته مدبرات امر که عـــرش و فرمانروایی الهی جهان پیش از قیامت بر دوش آنان اســـت، برای امضا همه آنچه به عهده خلیفه نهاده شده، نزد او می‌آیند و امضا می‌گیرند و مقدرات امضا شـــده را بالا برده و در طول سال به فرشتگان عامل و کارگزار می‌دهند تا هر شب فرود آمده و آن را تحقق بخشند.

همراه این روح اعظم و جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل، فرشتگان تحت امر ایشان از کارگزاران نیز فرود می‌آیند و این تنزل که در آیه به شکل فعل مضارع آمده، هر ساله اتفاق می‌افتد و پس از امضای خلیفه الهی برای اجرا به کارگزاران ابلاغ می‌شود. به نظر می‌رسد که در زمان نزول هر ساله روح و فرشتگان به محضر مبارک امام زمان(عج) برای کسب تکلیف و امضای امور حکیمانه هستی، آسمان قرق می‌شود و شیاطین و ابلیس در حبس قرار می‌گیرند. از این‌رو هیچ‌گونه اطلاعاتی از آن جلسه به بیرون درز نمی‌کند؛ اما در طول سال وقتی کارگزاران برای اجرای احکام امضایی هر شب فرود می‌آیند، برخی از این شیاطین برای استراق سمع و کسب اطلاعات از مقدرات آن روز به آسمان بالا رفته و اطلاعاتی را می‌ربایند و به کاهنان خویش می‌رسانند. (صافات، آیات ۶ تا۹؛ جن، آیات ۶ تا۹)

براســـاس آیات قرآن، روح غیر از فرشـــتگان است؛ روح همان حقیقتی اســـت که به همه موجودات هستی جان می‌دهد و چهار فرشته تحت فرمان او هستند؛ زیرا وقتی جان و روح به چیزی داده می‌شـــود آنگاه است که نیازهایی پیدا می‌کند که باید چهار فرشته مدبرات کلی امر به آن بپردازند. (نازعات، آیه۵) همچنین آیات قرآن بیان می‌کند که فرشـــتگان به انواع و اقسام بسیار تقسیم می‌شوند کـــه همه آنان در چارچوب مأموریت، عمل کرده و تخطی و تخلف نمی‌کنند. (ذاریات، آیات ۱تا۴؛ تحریم، آیه۶)

با توجه به آنکه در شـــب قدر ماه رمضان، همه امور هستی در اختیار خلیفةالله برای امضا گذاشته می‌شود تا در طول سال به وسیله فرشتگان کارگزار اجرایی شود، باید آن شب قدر را شب سرنوشت‌ساز دانست، چنانکه امام صادق(ع) می‌فرماید: آغاز سال، شب قدر است. در آن شـــب برنامه سال آینده نوشته می‌شود. (وسائل الشیعه، ج۷ ص۲۵۸ ح۸) از نظر آن حضرت(ع) شـــب قدر، آغاز سال حقیقی و واقعی است؛ هر چند که اول ماه محرم به عنوان آغاز سال هجری قرار داده شده، ولی از نظر قرآن، زمان آغاز سال برنامه و اجرای آن، همان شب قدر اســـت. در این شب است که برنامه‌ها امضا و برای اجرا ابلاغ می‌شود.

این شـــب قدر چنان مبارک و ارزشمند است که در آیات قرآن برتر از هزار ماه یعنی حدود هشتاد و چهار سال قمری دانسته شده است. از امام صادق(ع) درباره ارزش شب قدر و اعمال آن می‌فرماید: کار نیک در آن شب از کار در هزار ماه که در آنها شب قدر نباشد بهتر است. (وسائل الشیعه، ج۷ ص۲۵۶، ح۲)

پس عمل در این شب بسیار ارزشمند است؛ زیرا زمانی است که امور به خدمت خلیفةالله(عج) عرضه می‌شود تا ایشان به این عنوان امضا و ابلاغ کند؛ اگر انسان در آن شب‌ها توبه کند گویی پاک شده و همیـــن زمینه را برای تغییر قبل از امضا فراهم می‌کند. اگر تا آن شب توبه نکرده‌ایم توبه کنیم تا شاید در تغییر و تبدیل سرنوشت و تقدیر خود پیش از امضا و ابلاغ، تأثیر مثبتی به‌جا بگذاریم. البته در روایتی از امام صادق(ع) شب‌های سه‌گانه۱۹، ۲۱ و ۲۳ ماه رمضان نقش اساسی و کلیدی دارند و هر چند که یک شب همان شب امضا است، ولی دو شب دیگر زمینه‌ساز است و نباید آنها را از دست داد. در حقیقت خداوند در کارگاه ماه رمضان انســـان را برای کسب تقوا آماده می‌کند و با دربند کردن شیاطین امکان وسوسه‌گری از بیرون را از آنان سلب می‌کند. در این شرایط آرمانی، انسان می‌تواند خود را برای توبه آماده کند و با توبه زمینه را برای تغییرات سرنوشت‌ساز فراهم آورد؛ زیرا برخی از تغییرات براساس مصلحت است نه حکمت کلی الهی. به این معنا که خداوند مثلاً برای هر انسانی دو اجل مسمی و معلق در نظر گرفته است. اجل مسمی در قالب حکمت است که تغییرناپذیر است، اما اجل معلق در قالب مصلحت است. پس اعمالی که انســـان انجام می‌دهد به‌ویژه توبه، زمینه‌ای است تا تقدیر اعمال منفی به مثبت تغییر یابد و بگونه‌ای دیگر امضا و اجرایی شود.

امام صادق(ع) درباره تأثیر و تفاوت‌های شـــب‌های قدر فرموده است: التقدیر فی لیلةٌ تسعةٌ عشر و الابرام فی لیلةٌ احدی و عشرین و الامضاء فی لیلةٌ ثلاث و عشـــرین؛ برآورد اعمال در شب نوزدهم انجام می‌گیرد و تصویب آن در شب بیست‌ویکم و تنفیذ آن در شب بیست‌وسوم. (وسائل الشیعه، ج۷ ص۲۵۹)

پس شـــب‌های قدر برای ارزیابی اعمال، امضا و تصویب اعمال آینده و تنفیذ و اجرایی شدن آن است که در شب سوم، ابلاغ رسمی انجام می‌گیرد و تغییر در آن شاید ناشدنی باشد.

از نظر قرآن، ماه رمضان ماه دعا و استجابت آن است. استغفار و توبه کردن در کنار صدقه دادن و اصلاح امور خطا کردن و توسل و یاری از پیامبر(ص) جســـتن از جمله کارهایی است که می‌توان در کناردعا برای تغییر مقدرات انجام داد. از همین رو احیای شب‌های قدر برای انجام این اعمال برای تغییر مقدرات بســـیار مهم دانسته شـــده است و مومنان برای شـــب زنده‌داری و تهجد و انجام اعمال خاص در این شب‌ها تشویق شده‌اند. روایات بسیاری برای این منظور در کتب روایی آمده است که ترغیب‌کننده مومن برای بهره‌مندی از این شب برای تغییر سرنوشت و مقدرات خویش است.

در این شب سرنوشت‌ســـاز و مبارک اســـت که آفریدگار هستی نعمت‌های خود را از شب قدر این سال تا شب قدر سال آینده میان بندگانش تقسیم می‌کند و سرنوشت هرکسی را مقرر می‌دارد؛ به همین جهت در همه طول سال برکت آن شب در جهان امتداد دارد و به این دلیل شب مبارک عنوان یافته است.

با توجه به آنکه در شب قدر ماه رمضان، همه امور هستی در اختیار خلیفةالله برای امضا گذاشته می‌شود تا در طول سال به وسیله فرشتگان کارگزار اجرایی شود، باید آن شب قدر را شب سرنوشت‌ساز دانست، چنانکه امام صادق(ع) می‌فرماید: آغاز سال، شـــب قدر است. در آن شب برنامه سال آینده نوشته می‌شود.

خداوند در کارگاه ماه رمضان انسان را برای کسب تقوا آماده می‌کند و با دربند کردن شیاطین امکان وسوســـه‌گری از بیرون را از آنان سلب می‌کند. در این شرایط آرمانی، انسان می‌تواند خـــود را برای توبه آماده کند و با توبـــه زمینه را برای تغییرات سرنوشت‌ســـاز فراهم آورد؛ زیرا برخی از تغییرات براساس مصلحت است نه حکمت کلی الهی.

چراغ راه

تاکید بر عمل مبتنی بر آینده‌نگری، صبر و استقامت و پارسایی

قال‌الامام علی(ع): «العمل العمل، ثـــم النهایةَ النهایةَ، والاستقامه الاستقامه، ثم الصبر الصبر، والورع الورع، ان لکم نهایةً فانتهوا الی نهایتکم»

امام علی(ع) فرمود: عمل صالح، عمل صالح! سپس آینده‌نگری! آینده‌نگـــری! و اســـتقامت! اســـتقامت! آنگاه بردبـــاری! بردباری! و پرهیزکاری! پرهیزکاری! برای هر کدام از شما عاقبت و پایان مهلتی تعیین شده، با نیکوکاری بدانجا برسید.»[1]

۱- نهج‌البلاغه- خطبه ۱۷۶

حکایت خوبان

شاخص‌های فسق و فجور جامعه

امام علی(ع) در توصیف شاخص‌های فسق و فجور جامعه فرمود: خداوند شما را رحمت کند.

بدانید شما در روزگاری زندگی می‌کنید که گوینده حق اندک و زبان از راستگویی عاجز، و حق طلبان بی‌ارزشند، مردم گرفتار گناه و نافرمانی، و سازشـــکاری- در پیروی از شهوات و هواهای نفسانی- همدســـت یکدیگرند. جوانانشان بد اخلاق، و پیرمردانشان گناهکار، و عالمانشان منافق و دورو، و نزدیکانشان سودجو و منفعت‌طلبند.

نه خردسالانشـــان بزرگان را احترام می‌کنند و نه توانگرانشـــان دســـت مستمندان را می‌گیرند.[1] همانا پس از من روزگاری بر شما فرا می‌رسد که چیزی پنهان‌تر از حق و آشکارتر از باطل و فراوان‌تر از دروغ بستن به خدا و پیامبرش نباشد. و نزد مردم آن زمان کالایی زیانبارتر از قرآن نیســـت، اگر آن را درســـت بخوانند و تفسیر کنند، متاعی پرسودتر از قرآن یافت نمی‌شود.[2]

۱- نهج‌البلاغه- خطبه ۲۳۳ ۲- همان، خطبه ۱۴۷

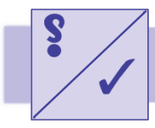

پرسش و پاسخ

چرایی ۲۵ سال سکوت

پرسش:

چرا امام علی(ع) مدت ۲۵ سال در برابر جایگاه حقیقی خود سکوت اختیار کرد و از خود دفاع نکرد؟

پاسخ:

فلســـفه ۲۵ سال سکوت و مدارای امام علی(ع) با خلفای سه‌گانه بحث گسترده‌ای است که در اینجا به نحو اجمال به این سوال پاسخ می‌دهیم؛

بعد از رحلت رســـول خدا(ص) جریان سقیفه پیش آمد و ابوبکر به خلافت رسید. دراین برهه، علی(ع) در موضع معترض قرار گرفت؛ چون خود را وصی بر حق رســـول خدا می‌دانست. از این رو، -چنان که در تاریخ معروف و مســـلم است- تا مدتی، از بیعت خودداری کرد و روزهای اول، همراه حضرت فاطمه‌زهرا(ص) به خانه انصار می‌رفت و بـــا آن‌ها احتجاج می‌کرد. امام علی(ع) پس از مدتی، به این نتیجه رسیدکه یا باید به قوه قهریه متوسل شود و یا سکوت کند. با بررسی جوانب قضیه، به این نتیجه رسید که سکوت و مدارا به صلاح اسلام اســـت، از این رو، از آن زمان سکوت کرد. خود آن حضرت در خطبه شقشقیه، به این دو راه دشوار اشاره می‌کند. حضرت در خطبه شقشقیه درباره خلافت ســـه خلیفه سخن گفته و فلسفه سکوت خود را بیان کرده و می‌فرماید:

« در این اندیشه بودم که آیا با دست بریده (و نداشتن یار و یاور، به مخالفان)، حمله کنم یا بر این تاریکی کور، صبر نمایم. همان ظلمت و فتنه‌ای که بزرگسالان را فرسوده، کودکان خردسال را پیر و مردم با ایمان را تا واپســـین دم زندگی و لقای پروردگار رنج می‌دهد، ســـر انجام دیدم بردباری و شـــکیبایی در برابر این مشکل، به عقل و خرد نزدیک‌تر اســـت، به همین دلیل شکیبایی پیشه کردم (نه شکیبایی آمیخته با آرامش خاطر، بلکه) در حالی که گوئی در چشمم خاشاک بود و استخوان؛ راه گلویم را گرفته بود...» (نهج‌البلاغه- خطبه ۳)

امام با تعبیر«دســـت بریده»، به تنهایی و بی‌یاوری خود اشـــاره می‌کند؛ زیرا اگر می‌خواست به قدرت متوسل شود، حامیان و مدافعان لازم را نداشت.

از طرف دیگر؛ سکوت و مدارای حضرت برای حفظ وحدت مسلمین و جلوگیری از اختلاف مســـلمانان و جنگ داخلی بوده است. حضرت در یکی دیگر از بیاناتش می‌فرماید:

به خدا ســـوگند، اگـــر ترس از ایجاد شـــکاف و اختلاف در میان مســـلمانان نبود و بیم آن نمی‌رفت که بار دیگر کفر و بت‌پرســـتی به ســـرزمین اسلام بازگردد و اسلام محو و نابود شود، با آنان به گونه‌ای دیگر رفتار می‌کردیم (شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۳۰۷)

آن حضرت در بیان دیگری پس از انتخاب عثمان به خلافت فرمود: «... والله لا ســـلمن ما سلمت امور المسلمین و لم یکن فیها جور الا علـــی خاصه» ؛... به خدا ســـوگند به آن‌چه انجـــام دادید، گردن می‌نهم و با شـــما مدارا و ســـازگاری می‌کنم، مادام که امور مسلمین درســـت اداره شـــود و جز به شخص من به کس دیگری ظلم نشود.» (نهج‌البلاغه- خطبه ۷۴)

بنابراین، سکوت ۲۵ ساله حضرت بر اساس یک سلسله مصالح عالی و ملاحظات اساســـی بود و به این معنا نبود که ایشان نسبت به وضع مسلمین و سرنوشت جامعه اسلامی، بی‌تفاوت باشد.

حضرت در حدی که مصالح عالی اسلام و مسلمین ایجاب می‌کرد، با خلفای وقت همکاری داشـــت و به آن‌ها مشاوره می‌داد و هر وقت لازم بود، انتقاد می‌کرد.

خلیفه دوم با اشاره به این حقیقت می‌گفت: به خدا پناه می‌برم که مشکلی پیش بیاید و ابوالحسن(علی) برای حل آن حضور نداشته باشد. (الاصابه فی تمیز الصحابه، عقلانی، ج ۲، ص ۵۰۲)

سلوک عارفانه

راهکارهای برون‌رفت از غفلت

(بدان ای سالک راه خدا!) برای انسان راه‌هایی وجود دارد که بتواند ایـــن پرده غفلت را بدرد. اولین راه تفکر اســـت، تفکر در احوال و انواع عذاب‌هـــای الهی در روز قیامـــت... ر اه دوم قرائت آیات کتاب الهی در رابطه با عذاب‌هایی است که خداوند در آن آیات نسبت به متخلفین وعید کرده است. همچنین این حالت را برای خودش ترسیم کند که آن عذابها گرداگرد او هستند. راه سوم معاشرت با خائفین است... انسان مقید باشد با کســـانی معاشرت و رفاقت کند و علقه دوستی بیفکند که از خائفین هستند، و حالات آنها را نظاره کند. راه چهارم خواندن داستان‌هایی است که در رابطه با خائفین است.[1]

۱- اخلاق ربانی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)، ج ۳، ص ۱۴۷

صفحه معارف روزهای: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maaref@kayhan.ir